



زن و بزهکاری

یک بررسی کوتاه از تأثیر جنائی زن در اجتماع



اگر در این کوتاه گفتار نقش زن را در بزهکاری از دیدگاه گذر می‌دهیم ، زیبایی و هنر آفرینی او را نادیده نمی‌گیریم ؛ همانگونه که چشمان ما در برابر تأثیر شگرف و سرگت این آفریده‌ی شگفت‌انگیز ، در شکوفایی هنر و ادبیات ، باز و بینا است ، این سخن نمایشگر این پندار نیست که مرد در بزهکاری و رفتارهای ناهنجار اجتماعی با زن همگام و همدست نمی‌باشد .

هر دو در تشکیل خانواده - این نخستین و ساده‌ترین سازمان اجتماعی -

می‌نماید شاید در حقیقت سرفصل ناهمانندی و گوناگونی نوینی باشد^۱.
 از آنچه گفتیم بدینجامی رسیم که زن به‌عنوان عنصر مکمل زندگی در بزهداری
 و تبهکاری با مرد ، همگام است .

از دیرباز به قاطعیت می‌شنویم که می‌گویند : زنان از مردان جنایت کمتری
 مرتکب می‌شوند ؛ چه ذاتاً اخلاقی‌تر ، بی‌زیان‌تر و کم‌گناهتراند . ما نمی‌توانیم این
 باور و پندار را بی‌مدرك علمی و تجربی بپذیریم . آمار همیشه نشان داده است که
 در بیان حقوقی ، زنان ، کمتر یزهکار بوده‌اند . زنان در قلمرو و فرماندهی جهان
 مردان نگاهداری می‌شوند و به شیوه‌ی باستانی و موروثی به وظیفه‌ی خانه‌داری و
 بار داری می‌پردازند و از همکاری در بازار دور می‌مانند . هر کسی می‌توانست
 دلیلهای فراوانی به پا کند که چگونه زن از مرد کمتر جنایت مرتکب می‌شود . کسی
 که از این چشم‌انداز به زن می‌نگرد که او رویهمرفته از نکوهش و سرزنش
 اجتماعی بیش از مرد ، می‌ترسد و از همین جا است که در پیوند به ارزشهای اخلاقی
 متداول و مرسوم گرایش بیشتری از مرد نشان می‌دهد به سادگی آن باورها را
 می‌پذیرد .

استاد «*Otto pollak* اتوپالاک» نشان داده است که آمار غالباً در دادن فهرست
 مناسب و پسندیده‌ای از بزهداری زنان بسیار دور می‌افتد . او مدعی است که بیشتر
 بزهدایی که بوسیله‌ی زنان ارتکاب می‌یابند با «کژروی و فریب» آنان پنهان می‌مانند .
 زنانی که گرفتار تنوع گسترده‌ای از جنایتها می‌باشند ، اتفاقی و ضمنی ، در نقشهایی
 مانند همسر ، مادر ، پرستار ، پرورش دهنده و معلم کودکان به روشی نهفته و پنهان
 آن بزهدا را انجام می‌دهند .

در میان اینان ، آدمکشی - بارها به وسیله زهر دادن - بی‌عفتی (همخوابگی

۱ - آقای دکتر حسین سیدی : مبانی نظری حقوق بین‌الملل عمومی با توجه به تقسیم
 کار اجتماعی دورخایم (خلاصه‌ی تقریرات) . از انتشارات دانشکده‌ی حقوق و علوم

همکاری دارند و هر دو در زندگی اجتماعی بازیگر نقشهایی معین و سازنده‌ی عنصر و مایه‌ی زندگی‌اند .

جامعه‌شناس بزرگ فرانسوی : «دورخایم Durkheim» در کتاب «تقسیم‌کار اجتماعی La division Social du Travail» خود، این گفته‌را به‌خوبی می‌نماید که : در روزگاران بسیار بسیار پیشین ، زن و مرد ، به‌اندازه‌ای با یکدیگر همانندی داشتند که جنس مرد از زن متمایز نبود ؛ ولی کم‌کم این تمایز چهره‌بسته است و مرد از جهت حجم جمجمه و مغز و اسکلت و استخوان و این‌گونه‌گونی روز به روز افزونی یافته است .

همین ناهمانندی میان مرد و زن است که انگیزه‌ی پیدایی خانواده شده است (اصالت خانواده) .

«دورخایم» در این باره می‌گوید : بی‌هیچ گمان ، کشش جنسی ، تنها میان افراد ممنوع احساس می‌گردد و همچنین عشق ، مستلزم هماهنگی اندیشه و احساسات دو طرف است .

باید دانست که آنچه انگیزه‌ی بستگی خاطر زن و مرد به یکدیگر است همانندیهای یاد شده نیست ؛ بلکه میان زن و مرد ناهمانندی‌ای یافت می‌شود که آن دورا مکمل یکدیگر می‌سازد . کششی که از این ناهمانندی برمی‌خیزد ، آن دو را به یکدیگر نزدیک می‌کند . زن و مرد ، هر یک به تنهایی ، به منزله‌ی جزء ناقصی از «کل» اند که با پیوستن به یکدیگر واحد کاملی را می‌سازند (در کشور فرانسه - به ویژه پاریس - و نیز آلمان ، مردم گاهی همسر خود رانیمه‌ی خویش می‌خوانند) . هم‌اکنون در برخی از طبقات اجتماعی ، زنان مانند مردان به کارهای هنری و ادبی پرداخته‌اند و چنین می‌نماید که مشاغل زن و مرد رویه همانندی است . باید دانست که حتی در این قلمرو فعالیت هم ، زن ، برابر سرشت ویژه‌ی خود رفتار می‌کند و نقش فوق‌العاده ویژه‌ای که با نقش مرد دوگانه است - بازی می‌کند .

آنچه امروز به چهره‌ی برگشت به حالت همانندی پیشین و تجانس نخستین



با مردان بیگانه و خیانت به شوهر) ، سقط جنین ، بچه کشی ، دزدی ، به نام خریدار از مغازه دزدیدن ، سند سازی و جعل دیده شده است ؛ چرا که اینگونه بزها به جرأت یا توان بدنی نیازی ندارند (۲) .

«پالاک استدلال می کند که : فرهنگ ما به مقداری زیاد ، اندازه ای جرم زن را می شاند . این نظر را که رفتار بزها رانهی زنان رویداد و رخ داده ای کمیاب است افسانه می پندارد (۳) .

ثابت شده است که تهیدستی و تنگدستی پایه بیشتر جنایتها است ؛ ولی باید به همین اندازه «نیروی جنسی Sex» را ریشهی بزهاکاری دانست. مرد بخاطر زن دزدی می کند زن هم آدم می کشد تا خود را از تنگناها و امیال سرکوفته رهایی دهد . هر دوی اینها - زنان و مردان - به علت رقابت و رشک جنسی آدمکشی می کنند. شاید خطرناک باشد که تعمیم دهیم: مستقیماً یا غیر مستقیم تا اندازه ای انگشت نما است که بیشتر گناهها و بزهایی که زنان مرتکب می شوند به خاطر عشق مردان باشد!

گذشته از این ، گروهی از زنان تبهکار را می بینم که افسونگری ، زیرکی گیرایی و ظرافت زنانهی خود را تبدیل به سرمایه می کنند . اینان می خواهند در بازی (قمار) معتبر و قدیمی ، شرکت کنند که معمولاً مبالغ هنگفتی پول در آن وجود دارد . شاید بتوان خانم «کاسی جدویک» «Cassie Chadwick» را از گروه نمونهی

۲ - هری المر بارنس و نگلی کی . تی ترز : افقهای تازه در جرمشناسی . چاپ سوم .

ص ۲-۶۱ . آمریکا ۱۹۵۹ :

Harry Elmer Barnes ' Negleyk. Teeters ' New Horizons in Criminology . 3 rd (ed) PP.

۳ - المر هابرت جانسون : جرم ، تأدیب و اجتماع . چاپ سوم . ص ۶۱ آمریکا

. ۱۹۶۶

Elmer Hubert Jonson: Crime' Correction , and Society. 3rd (ed) P. 81 . U . S . A . 1966

پالادانست که وضع مالی جهان را در خلال نخستین دهه‌ی این قرن ترساند و به خطر کشانید .

اعتبار و اعتماد «اندربو گارنگی Andvew Carnegie» را مطرح میسازیم که بروش دیگر بانکداران محتاط را لخت کرد و تنها بواسطه‌ی بدست آوردن اعتماد آنان، سدها هزار دلار چاپید .

بیشتر جنایتهای وحشیانه مانند: آدم کشی و بچه دزدی می تواند به خونسردی به وسیله‌ی زن انجام گیرد .

«ناتی داس» از ایالت «اکلاهاما» چهار شوهر خود را پی در پی کشت . آدم‌کشی در میان بزهای زنان بیشتر معمول است تا مردان. بسیاری از زنان ، در خیانت، شیوه و سبک می آفرینند. مغازه دزدی - به نام مشتری - کار پرسودی است. زنان با فرهنگ و تحصیل کرده به دزدی و دیگر سرگرمیها و کارهایی که بمهارت، دیگران را سرگرم میکند می پردازند ۴ .

« جانسون » در کتاب « جرم، تادیب و اجتماع « جنس X Se » (زن - مرد) بعنوان يك عامل جرم سخن می گوید : جرم شاید به نام يك « واکنش مشخص مرد » شناخته شده است. آزمایش تابلوزیرین این بیان را استواری خواهد بخشید:

جرایم اتهامی	شماره‌ی درسد مردان دستگیر شده به نسبت زنان	
	مرد	زن
مجموع جرایم	۸	۵
جرایم برضد اشخاص:		
قتل عمد جنایی	۵	۳
ضرب و جرح همراه با کیفیت مشدده	۵	۶
حملات دیگر	۸	۵

جرایم اتهامی	شماره‌ی درسد مردان دستگیر شده نسبت به زنان	
	مرد	زن
جرایم جنسی	۴	۴
جرایم برضد اموال:		
دزدی - با شکستن حریم و عنف وارد شدن (ورود بخانه در شب به قصد ارتکاب جرم)	۳۰	۰
دزدی (راهزنی)	۱۹	۶
دزدی اموال و شرکت در دزدی و جزو آن	۱۰	۵
کلاهبرداری و اختلاس	۱۰	۰
تقلب و جعل	۴	۷
دزدی	۴	۶
جرایم دال بر اخلال و بی نظمی شخصی:		
تصرفات مسلحانه و جز آن	۱۵	۱
مستی	۱۱	۴
قماربازی و ماطعات فریبی	۱۱	۰
تخلف از مقررات مشروب فروشی	۷	۹
ولگردی	۱۰	۴
جرایم برضد خانواده و اطفال	۷	۹
داروهای مخدر	۵	۵
فحشاء و خود فروشی	۰	۴

این آمار در سال ۱۹۶۱ به وسیله ۲۷۷۶ نمایندگی پلیس شهری در امریکا

فراهم آمده است.



بر پایه‌ی گزارش «دفتر بازرجویی و رسیدگی فدرال» (F. B. I) در ۲۷۷۶ شهر، ۸۵ مرد به نسبت ۱۰ زن دستگیر شده‌اند. در سازمانهای تأدیبی دولتی و فدرال، به سال ۱۹۶۱، از همه این زندانیان بالغ تنها سدی ۳ تا ۷ زن بودند.

جرایم بسیار سنگین مردان عبارتند از: وارد شدن در شب به قصدار تکاب جرم (همراه باشکستن حریم و عنف)، اتومبیل دزدی، سرقت، تصرف مسلحانه و رانندگی در حال مستی، فحشاء و خود فروشی، بزه نخستین و ابتدایی زن است، هر چند در پشت پرده، مردان هم به «واسطگی» و «کارسازی» می‌پردازند.

نسبة بسیاری از زنان جهت اختلاس، کلاهبرداری، جعل، تقلب و دزدی روانه‌ی زندان شده بودند. دسته‌ای از بزها که بارها به وسیله‌ی زن ارتکاب می‌یابد: مغازه دزدی غیر حرفه‌ای، دزدی به وسیله‌ی فحشاء، دزدیهای خانگی، سقط جنین، بچه‌کشی و گواهی دروغ است.

از دیدگاه «اتوپالاک» در میان جرایم برضد اشخاص، تنها بچه‌کشی و سقط جنین در میان زنان رواج معینی دارد. ۰/۲۴. زنان جهت ارتکاب این سه جنایت برضد اشخاص دستگیر شده بودند: قتل غیر عمدی، ضرب و جرح همراه با کیفیت مشدده و قتل عمدی ولی این نسبت در مردان ۰/۱۲. بوده است. ۵

در بیشتر کشورها افزونی جنایت در میان زنان بیشتر از مردان بوده است. ۶. در سال ۱۹۵۰ بر آورد شد که در هر ۱۷ ثانیه یک جرم در (امریکا) رخ میدهد. در ۱۹۵۷ ارتکاب یک جنایت به ۱۱/۳ ثانیه رسید. بدینگونه می‌بینیم که چگونه جنایت در ایالات متحده‌ی آمریکا شایع است و چگونه در سالهای پس از «جنگ جهانی دوم» به سختی رو به افزایش رفته است! در دیگر کشورها هم مانند: انگلستان

۵ - جرم، تأدیب و اجتماع ص ۶۲

۶ - دیوید ابراهمن: روانشناس جرم ص ۱۷ چاپ دانشگاه کلمبیا نیویورک ۱۰۶۰

David Abrahamson: The Psychology Of Crime.

Columbia University, New York. 1960

فرانسه و آلمان در خلال همان سالهای پس از جنسک سطح جنایت بالا رفته است. «شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد» گزارش میدهد که این افزایش جنایت بیشتر در حوزه‌ی جرم برضد اموال بوده است. در بیشتر کشورها این افزایش (جنایت) در میان زنان محکوم بیشتر دیده شده است تا مردان.

يك فرد رفتار مجرمانه‌ای برای ارتکاب بزه برمی‌گزیند که نوع ویژه‌ای از صفت‌های مشخص او است. برای نمونه يك ناقص دماغی، معمولاً بزهی ابتدایی و ساده انجام می‌دهد مانند: شکستن پنجره، دزدیدن چیزهایی کم‌بهاء و بی‌اهمیت؟ ولسی کسی که اندیشه‌ی بیشتری دارد معمولاً برای نیاز بیشتر و مهمتری دست به ارتکاب جنایت می‌زند. غالباً جنس مرتکب، تا اندازه‌ای، نوع بزه ارتکابی را معین میکند. اگرچه هم زن و هم مرد، ترکیب و آمیخته‌ای از صفت مشخصه‌ی «مادپنگی» و «نرینگی» است، باز درمی‌یابیم که در هر «جنسی» جرم معینی شیوع دارد. برای نمونه: مغازه دزدی (به ویژه هنگامی که به علت دزدی بالفطره است)، زهر دادن، بچه‌کشی و اخاذی، بیشتر، صفت زنان است تا مردان. مردان:

آدمکشها، راهزنیها اختلاسهای فراوانی مرتکب می‌شوند. پس تا حد زیادی، حالت عاطفی يك شخص است که راه‌گزیده شده‌ی او را معین می‌سازد. عمده‌ی دزدان بالفطره، زنانند. اگر ما به روانشناسی دزدان بالفطره بنگریم علت آنرا در خواهیم یافت ۷.

زنان ممکن است زندگی و جان فردی را باروشهایی سخت و بی‌رحمانه در لحظات هیجان و رشك و حسادت بگیرند. نویسندگان - در بسیاری از سدها - یادآور شده‌اند که نوع و شکل بیشتر آدمکشی زنان (قتل عمد) بآبهره‌وری از زهر دادن است. «اسکات Scot» در ۱۹۸۴ نوشت که: زنان نخستین مخترع و بزرگترین

عاملان زهر دادن می‌باشند که طبیعتاً معتادترین آن نسبت به مردان.

«مری آن کاتن M. Ann Cotton» در ۱۹۷۳ پیش از اینکه سرانجام به پای محاکمه آورده شود ۲۱ فقره قتل عمد به وسیله‌ی زهر دادن مرتکب شده بود.

جرم بچه کشی پس از اینکه تولد، شخصیت‌های گوناگون را نشان می‌دهد (که بستگی به علت‌های مختلفی دارد و شاید بیشتر نمایشگر این واقعیت باشد که زنان شوهردار با مردان مجرد رابطه برقرار می‌کنند و شوهر اصلی، پدر فرزند منتظره نیست) بی‌درنگ صورت می‌گیرد. چنین برآورد شده است که در «ایالات متحده» هر ساله ۷۰ هزار قضیه‌ی سقط جنین رخ می‌دهد که بیشتر آن شاید به علت بزبهای جنائی است.^۸

مطالعه‌ی «ولف گانگ Wolfgang» در «فیلادلفیا» نشان می‌دهد که ۰/۰۶۸ قربانیان زن و ۰/۰۴۶ قربانیان مرد در خانه در اطاق خواب که پرفرت و آمدترین جاهاست وبه ویژه برای زنان - مرگ را دیدار کرده‌اند.

در سنجش با مردان، زنان، بخش زیادی از آدمکشها را در خانه مرتکب شده‌اند که ۰/۰۲۹ کشته‌ها در آشپزخانه و ۰/۰۲۶ در اطاق خواب بوده است. از همه‌ی قتل‌هایی که مردان انجام داده‌اند ۰/۰۷ در آشپزخانه و ۰/۰۱۶ در اطاق خواب صورت گرفته است.^۹

جرایم بر ضد اموال: عمده‌ی جرایم زنان، برابر پندار «گرونفهات Grunhu» شامل بزبهای ثقلب و نادرستی است. زنان کمتر دزدی با عنف انجام می‌دهند و هنگامی که آنان در اعمال شبروی (ورود به خانه در شب به قصد ارتکاب جرم) و دزدی شرکت می‌کنند تا اندازه‌ای همیشه به عنوان انگیزه و شریک جرم آنرا مرتکب می‌شوند.

زنان بارها از مهمان‌خانه‌ها - به قیافه‌ی مهمان - خواهان استخدام شدن به عنوان کلفت و پیش خدمت به دزدی می‌پردازند. زنان جیب‌بر، معمولاً، در قسمت ابزارها

۸ - آن دی. اسمیت: زنان در زندان. ص ۵-۲۴ لندن. ۱۹۶۲.

Ann D Smith: Women In Prison

24-5. London. 1962.

۹- جرم؛ تادیب و اجتماع. ص ۲۷۵.



به نام «جعبه باز کن» و حتی نزدیک پیش‌خوان حراجیه‌های شلوغ، روی کف زمین - یادرحالت زیر کانه‌تری از پیش - در آسانسورها و طبقه‌های بالایی، بزه خود را دنبال می‌کنند^{۱۰}.

هر وی. و. زورباغف H.W.Zorbaugh «شرح می‌دهد که مادری زیبا و جذاب بارانندن وهل دادن يك كالسگه‌ی بیچه، از میان جمعیت، همانگونه که میرفت جیب‌بری میکرد^{۱۱}.

جرایم جنسی: نقش زن در بزیه‌های جنسی چون آفتاب، روشن است. جز در مورد «کژروی جنسی» (مردگرایی) نمیتوان بزهی جنسی تصور کرد که زن در آن همکاری و یا شرکت نداشته باشد. بسخن دیگر در بزیه‌های جنسی - به جز کژروی جنسی - یکطرف جرم زن است. در ایالت «نیویورک» هر روز نزدیک ۶۰۰ جرم جنسی که فحشاء (خودفروشی) را در بر می‌گیرد روی می‌دهد.

در سال هزار و نهصد و پنجاه و هفت ۴۷۷۸۷ نفر جهت جرایم عمده، در نیویورک، دستگیر شدند. از آن میان ۱۷۵۵ تن متهم به هم‌خوابگی (زنا) بودند و ۴۱۵۱ نفر به دیگر جرایم جنسی.

در انگلستان شماره‌ی جرایم جنسی، از ۵۰۰ نفر در سال ۱۹۳۸ به ۳ هزار نفر تا سال ۱۹۵۰ افزایش یافته است^{۱۲}. برخی زنان با آنکه خود در وقوع رابطه‌ی جنسی همکاری داشته‌اند به صورتی که عمد، ادعا می‌کنند که مرد به عنف با آنان رابطه‌ی جنسی داشته است^{۱۳}.

بدبختانه هر چه بی‌بند و باری و کناره‌جویی از ارزشهای اخلاقی و مذهبی بیشتر

۱۰ - زنان در زندان ص ۳۱ - ۲۹

۱۱ - جرم تأدیب و اجتماع ص ۷۹

۱۲ - روانشناسی جرم ص ۱۵۲

۱۳ - آقای دکتر پرویز صانعی، جامعه‌شناسی جنایی (درس فوق لیسانس در دانشگاه

ملی ایران) گفتار ششم. بزیه‌کاری زنان ص ۵۲.

می‌شود جرایم جنسی معمولی‌تر، آسان‌تر و فراوان‌تر ارتکاب می‌یابد. کم‌کم جرایم جنسی، بیشتر، در قالب کژروی جنسی (مردگرایی و زن‌گرایی) درمی‌آید و این، شاید به علت همانند گردیدن زن و مرد به یکدیگر است.

این «همانند گردیدن» یکی از سرکنشهای «تجدد» مغرب زمین است که ویرانگر کانون خانوادگی، رفتار بهنجار جنسی، فرهنگ و ملیت و سرانجام ارزشهای پاک اخلاقی و اجتماعی خواهد بود!

آیا زنان کمتر از مردان جنایت مرتکب می‌شوند؟ :

از آنچه تا کنون شنیدیم، تا اندازه‌ای پاسخ این پرسش را دانستیم ولی در این باره، برسی، نقش جنایی زن را در اجتماع گسترده‌تر از مردان دانسته‌اند و پاره‌ای به، واژگونی بالا مردان را مجرمانه‌تر می‌پندارند.

در بیشتر جوامع دختر جوان، از برادرانش بیشتر مراقبت می‌گردد. او در میان نظم پدر و مادری - که می‌بایست به سنت سختگیری عرف و آداب و رسوم اجتماعی یا به علت ترس از باردار شدن، در فشار قرار گیرد - در خانه بیشتر مورد اعتماد است و با همچنین به علت سرشت طبیعی خانه‌داری و وظایف خانوادگی.

با آغاز چنین اطمینانی، او فرصتهای کمتری دارد تا بزه‌هایی ناچیز و ساده از آنچه پسران غالباً در حالت ارتکاب آن دستگیر می‌شوند، مرتکب گردد.

«بران گالبرند سن Brun Gulbrandson» نویسنده‌ی نروژی - در ۱۹۵۸ این

نکته را بیان داشت که :

جایی که دختران اوقات فراغت و آسودگی کمتری از پسران دارند به علت وظایف آنان در خانه، فرصتهایشان برای ارتکاب رفتار بزهکارانه به ناچار محدود است. از دیدگاه او به طور کلی، جرم، بخشی از فعالیت‌های اوقات فراغت است ۱۴.



خانم «می بل Mable» نظرشایسته‌ای پیرامون جنس خود دارد. او مدعی است که تاروپود زن از برتری‌های: درستی، ایمان و اطمینان بسافته شده است و نیز نمونه‌ای است از مسئولیت در زندگی خانوادگی که بطور متوسط میانگین زنان است. وی باورمند است که: این میانگین تجربیات زن، بر خورد کمتری با ارزشهای اخلاقی و هدف و کاربرد و کار بزرگ او دارد تا میانگین مرد. از اینرو «می بل» در زن، لایه‌های کم رنگتری از بزهکاری، به عنوان واکنش وضع اجتماعی که زن را به جرم می کشاند - تدریجی زیادی نسبت به مرد - می بیند.

دوگانگی میان زن و مرد، به وسیله‌ی عوامل فرهنگ اجتماعی، مبالغه آمیز است و اگرچه این عوامل، در فرهنگ ما ذاتی و جدانشدنی است، خدمت این تأثیرات، چنین دوگانگی‌ها را به تنگنا خواهد کشانید.

گفتگو پیرامون اینکه: زنان همراه با «سرشت» خود، کمتر مجرم اند تا مردان، نسبت موضوعی ندارد، جز اینکه تا اندازه‌ی زیادی اینگونه کاوشها و سخنان در «پیکار جنسها» سهمی خواهد داشت^{۱۵}.

هرچه پای زن به فعالیت‌های اجتماعی بازتر می شود، نقش جنایی او گسترده تر، بیدارتر و گوناگون تر می نماید.

بسیاری از نویسندگان و جرم شناسان، افزایش بزهکاری زنان را به هنگام جنگ بر پایه‌ی این حقیقت که زنان بیشتر در بیرون خانه کار می کنند پیوند میدهند^{۱۶}. گریز از کانون خانوادگی نه تنها زنان را در بزهکاری آماده تر میسازد، بلکه انگیزه‌ی تبهکاری و گرایش و کشش کودک نیز به جرم خواهد بود. عوامل بیرون از واریسی پدر و مادر ممکن است شایستگی و توانایی بر خورد با نیازمندیهای کودک را فروکش سازد و کودک که با مسایلی روبرو شده است برای درمان و حل آنها از بیرون

۱۵- جرم، تأدیب و اجتماع. ص ۸۱

۱۶- زنان در زندان. ص ۱۴

خانه یاری بجوید . همین کار و استخدام در بیرون از خانه ، این واری و دقت را جلو گیر است ۱۷ .

برای درمان بزهدکاری - بطور کلی و به ویژه بزهدکاری زنان - باید اجتماعی پاك و وارسته داشته باشیم . باید انگیزه‌های بیدار کننده‌ی بزهدکاری «مسایل جنسی» را که روزگسترش می‌یابد از میان برود و آن «ابزارها» را در راه درست و بخردانه‌ی آن به کار برد . جلو گیری از نمایش فیلمهای زیانمند ، کنار زدن «تجدد» این ویرانگر فرهنگ و ملیت - و به جای آن پذیرفتن و فرادادن «تمدن» راستین و ارزنده ، پایدار ساختن ارزشهای اخلاقی و مذهبی (اسلامی) ، اندیشه دمیدن به فکرهای خسته و زهر آگین ، که ارمغان سترگ و ارزشمند در راه جلو گیری از بزهدکاری .

شناختن آزادی واقعی زنان - و نه بی بند و باری که از نقشه‌های استعمار برمی‌خیزد - در شکوفائی رسالت پاك زن ، به عنوان يك مادر شایسته و وارسته ، ما را یاری می‌کند ، چرا که اگر وظیفه‌ی مادری فراموش شود و سرگرمیهای میان تهی جای آنها بگیرد باید گریست - و چه سخت هم - بر: مادر، بر کودک و بر اجتماع!

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

